

فارسی ششم: درس 15

میوه‌ی هنر

اثر: پروین اعتصامی

Einaky.com

روزی روزگاری در یک باغ زیبا، یک درخت سپیدار که هیچ
میوه‌ای نداشت، با ترس به تبر هیزم‌شکن نگاه می‌کرد...

Einaky.com

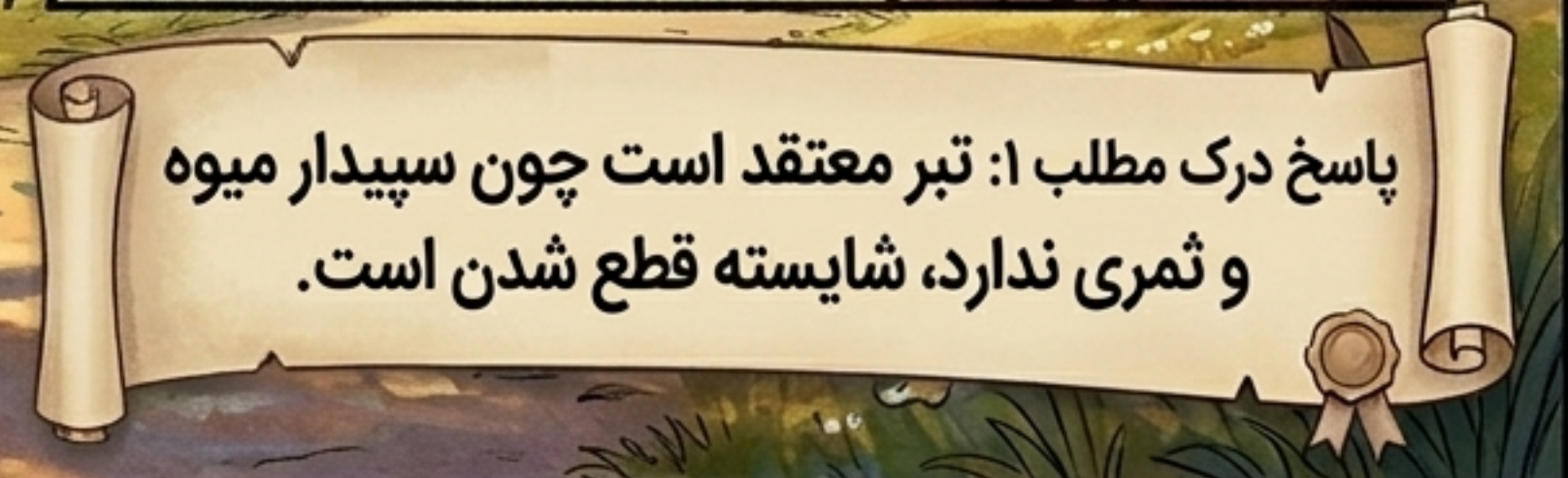
آن قصه شنیدید که در باغ، یکی روز
از جور تبر، زار بنالید سپیدار



چرا مرا می‌شکنی؟
گناه من چیست؟



گناه تو، بی‌ثمری و میوه ندادن است!
درختی که میوه ندهد، فقط به درد
سوختن می‌خورد.



پاسخ درک مطلب ۱: تبر معتقد است چون سپیدار میوه
و ثمری ندارد، شایسته قطع شدن است.

«خندید بر او شعله، که از دست که نالی؟
ناچیزی تو، کرد بدین گونه تو را خوار»

تو به خاطر بی‌هنری خومی سوزی!
شاخه‌ای که میوه نیاورد، سزاوار
چیزی جز آتش نیست.

آه! چرا سرنوشت من
این‌گونه شد و در
آتش سوختم؟

Einaky.com

آیا تبر و شعله با هم موافق بودند؟ - پاسخ درک مطلب ۲



درخت بی‌ثمر باید قطع شود.

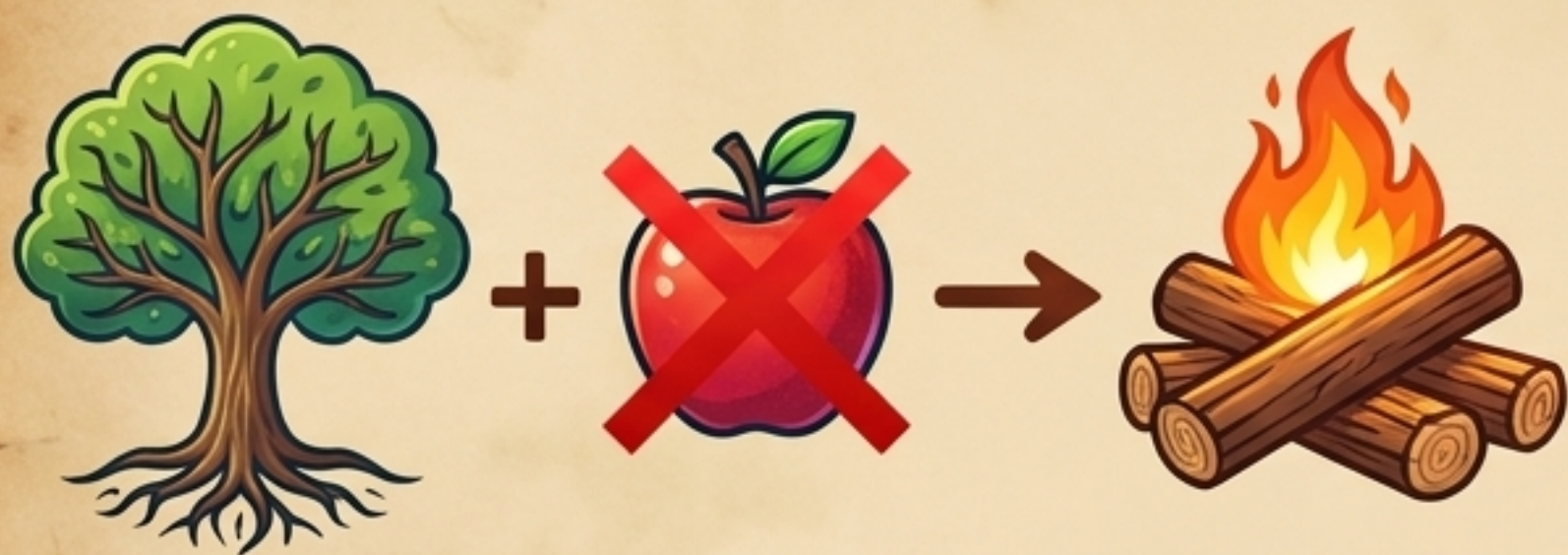


چوب بی‌میوه باید سوزانده شود.



بله! هر دو یک نظر دارند: موجودی که در زندگی
فایده، هنر و ثمری نداشته باشد، نابود خواهد شد.

پیام اصلی شعر: علم و عمل - پاسخ درک مطلب ۳ و ۴



درخت + بدون میوه = هیزم



دانش انسان + بدون عمل = بی فایده و بی ارزش

Einaky.com

علم بدون عمل مانند درخت بدون میوه است. شاعر می گوید میوه‌ی انسان، دانش و حکمت اوست که باید با عمل نیکو همراه شود.



«جز دانش و حکمت
نبود میوه‌ی انسان»

دانش زبانی: ریشه‌یابی کلمات

سپیدار

سپید + دار
درخت سفید رنگ

Einaky.com

سپید (سفید)

دار

در زبان فارسی کهن، «دار»
به معنی درخت است.

دانش زبانی: کلمات مخفف در شعر

گاهی شاعران برای زیباتر شدن آهنگ شعر، واژه‌ها را کوتاه (مخفف) می‌کنند:



کلمات دیگری مثل «شَه» (شاه) و «گَه» (گاه) هم به همین شکل ساخته می‌شوند.

خلاصه درس در یک نگاه

پیام داستان: همیشه تلاش کن تا علم و دانش را به عمل تبدیل کنی. دانش بدون عمل، ارزشی ندارد.



نمادها: در این شعر، درخت نماد (انسان)، و میوه نماد (عمل و کارهای نیک) است.



دانش زبانی: یاد گرفتیم که «دار» یعنی درخت (مثل سپیدار)، و شاعران گاهی کلمات را کوتاه می‌کنند (مثل پار، دی، مَه).

